

۲. نمک و نور: درک چشم‌انداز عیسی برای نفوذ (متی ۵: ۱۳-۲۰)

مقدمه: هسته موعظه بر کوه

ما به مطالعه موعظه بر کوه ادامه می‌دهیم. برخی آن را شناخته‌شده‌ترین موعظه عیسی می‌دانند. این موعظه، حتی توسط کسانی که از مسیح پیروی نمی‌کنند، نیز اغلب نقل می‌شود. این سخنان در طول تاریخ طنین‌انداز شده‌اند، اما در آن زمان، شنوندگان ممکن است تأثیر ماندگاری را که این کلمات بر نسل‌های آینده خواهند داشت، درک نکرده باشند. عیسی راهی جدید برای تفکر و زندگی را برای پیروان خود معرفی می‌کرد. متی آنچه را که بسیاری از محققان نسخه فشرده‌ای از تعالیم مسیح در مورد چگونگی زندگی حواریون و جلوگیری از اندوهگین ساختن روح‌القدس می‌دانند، ارائه می‌دهد. بسیاری از معلمان کتاب مقدس معتقدند که عیسی هشت خوشبختی (یا «نگرش‌های زیبا») را بیان کرد و سپس بر آنها تفصیل داد و معنای آنها را با مثال‌های واقعی زندگی نشان داد. به عبارت دیگر، بقیه موعظه بر کوه نشان می‌دهد که چگونه روح‌القدس در هسته زندگی مؤمن عمل می‌کند. دیدگاه ما این است که متی هنگام ثبت نحوه کاربرد خوشبختی‌ها توسط عیسی، از یک ترتیب زمانی سخت پیروی نکرده است.

پاسخ به آزار و اذیت: چرا مؤمنان نمی‌توانند پنهان شوند

هنگامی که حواریون مسیح طبق هدایت روح خدا زندگی می‌کنند، با کسانی روبرو خواهند شد که تحت هدایت روحی دیگر عمل می‌کنند و نگرش‌هایی مخالف خدا دارند. در مطالعه قبلی ما که عمدتاً بر خوشایندها متمرکز بود، عیسی درباره آزار و اذیتی که مؤمنان هنگام تجلی این نگرش‌های زیبا در زندگی‌شان با آن روبرو خواهند شد، سخن گفت (متی ۵: ۱۱-۱۲). اما چگونه باید به چنین آزار و اذیتی پاسخ دهیم؟ آیا باید عقب‌نشینی کنیم، از نظام جهانی پنهان شویم، زخم‌هایمان را لیس بزنیم و دیگر هرگز با تاریکی روبرو نشویم؟ نه، ما به عنوان پیروان مسیح، وجدان دنیایی هستیم که در آن زندگی می‌کنیم. اگر پیروان مسیح اجازه دهند این دنیا ارزش‌های خود را بر ما تحمیل کند، دنیا توسط یک برنامه شوم شکل خواهد گرفت؛ اما اگر مردان و زنان خداترس برای حقیقت بایستند، دیگران نیز الهام خواهند گرفت تا در برابر تاریکی مقاومت کنند. عیسی گفت: «من نور جهان هستم. هر که از من پیروی کند، در تاریکی نخواهد زیست، بلکه نور حیات را خواهد داشت» (یوحنا ۱: ۹). وقتی زندگی خود را بر اساس این نگرش‌های زیبا می‌گذرانیم، دیگران را به سوی عیسی هدایت می‌کنیم و نور حیات را برای همه می‌تابانیم. در مورد واکنش ما به آزار و اذیت، عیسی دو استعاره در مورد نحوه برخورد با کسانی که ما را آزار می‌دهند ارائه داد.

متی ۵: ۱۳-۱۶ معنای: استعارات نمک و نور

۱۳ «شما نمک زمین هستید، اما اگر نمک مزه‌اش را از دست بدهد، چگونه می‌توان شوری‌اش را بازگرداند؟ دیگر برای هیچ کاری خوب نیست جز اینکه دور ریخته شده و زیر پای مردم له شود.» ۱۴ «شما نور جهان هستید. شهری که بر فراز کوهی قرار دارد، نمی‌توان آن را پنهان کرد. ۱۵ چراغ را روشن می‌کنند و زیر کوزه نمی‌گذارند، بلکه بر پایه می‌گذارند و به همه کسانی که در خانه هستند نور می‌دهد. ۱۶ به همین ترتیب، بگذارید نور شما در پیش روی دیگران بتابد تا کارهای نیک شما را ببینند و جلال را به پدر شما که در آسمان است بدهند (متی ۵: ۱۳-۱۶).

ابتدا درباره نمک صحبت کنیم. وقتی عیسی در زمین بود، نمک کالایی ارزشمند محسوب می‌شد. در زمان سزار، روم به سربازانش نمک پرداخت می‌کرد و در چین باستان، نمک از نظر ارزش در رتبه دوم پس از طلا قرار داشت. حتی امروزه می‌گویند کسی «به اندازه وزن خود نمک می‌ارزد». چرا نمک این‌قدر ارزشمند بود؟ ما سه دلیلی را که ممکن است عیسی هنگام استفاده از استعاره «مؤمنان همچون نمک» مدنظر داشته باشد، بررسی خواهیم کرد.

۳ دلیل برای اینکه عیسی حواریون خود را «نمک زمین» نامید

(۱) نمک نماد پاکیزگی بود. رومیان معتقد بودند نمک یکی از خالص‌ترین چیزها روی زمین است زیرا از خالص‌ترین و پاکیزه‌ترین عناصر، یعنی دریا و خورشید، به دست می‌آید. آنها می‌گفتند: «هیچ چیز مفیدتر از خورشید و نمک نیست.»

ممکن است عیسی می‌خواسته اشاره کند که مؤمن باید به عنوان نمونه‌ای از پاکیزگی برای اطرافیانش باشد، به معنای پاکیزگی در گفتار و پاکیزگی در زندگی.

۲) نمک به عنوان یک ماده نگهدارنده استفاده می‌شد. پیش از اختراع فریزرها و یخچال‌ها، نمک تنها روش برای کند کردن فساد بود. حمل ماهی از دریای Galilee به اورشلیم دو یا سه روز طول می‌کشید، بنابراین برای تازه نگه داشتن ماهی یا گوشت در طول سفر، آنها را نمک‌گذاری می‌کردند. به همین ترتیب، مؤمنان به مسیح، با زندگی در پاکی و الگو بودن، می‌توانند زوال اخلاقی جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند، کند سازند. با این حال، همانطور که نمک برای مؤثر بودن به چند دانه نیاز دارد، یک جامعه نیز برای تأثیرگذاری و کند کردن زوال فرهنگ خود به چندین نفر نیاز دارد که همچون نمک عمل کنند.

۳) نمک به غذا طعم می‌دهد. برخی غذاها آنقدر بی‌مزه هستند که با کمی نمک می‌توان آن‌ها را خوش‌طعم‌تر کرد. من اغلب برای صبحانه دو تخم‌مرغ می‌خورم، اما تخم‌مرغ را بدون نمک (و کمی فلفل) بی‌مزه می‌دانم. تقریباً هر دستور پختی که پیدا کنید، همیشه شامل نمک است. قبل از اینکه زندگی‌ام را وقف مسیح کنم، زندگی برایم بی‌معنی بود. کنار آمدن با زندگی روزمره به عنوان یک ماهیگیر تجاری، با کار کردن شانزده ساعت در روز، شش روز در هفته، برایم دشوار بود، اما وقتی مسیح وارد زندگی‌ام شد، ناگهان شروع کردم به دیدن زندگی به عنوان چیزی هدفمند، معنادار و حتی هیجان‌انگیز. من در وقف کردن زندگی‌ام برای گسترش انجیل مسیح، هدفی و احساسی از ارزشمندی یافتم. دیگر برای چیزهای دنیوی زندگی نمی‌کردم، بلکه برای آنچه فراتر از این زندگی است. خداوند به زندگی ما طعم می‌بخشد. اولین باری که با گروهی از مردم روبرو شدم که عیسی را دوست داشتند و زندگی نمکی خود را در مقابلم می‌زیستند، من هم آنچه را که آنها داشتند می‌خواستم. نمک تشنگی می‌آورد، و من به آنچه آنها داشتند نیاز داشتم. باید عمیقاً از خداوند عیسی بنوشیدم. در اطراف ما مردم تشنه‌ای هستند؛ آنها فقط نمی‌دانند چه چیزی تشنگی‌شان را برطرف خواهد کرد. اگر ما به آنها نگوئیم، تشنه خواهند ماند.

وقتی موعظه‌ها را در مورد این بخش از کتاب مقدس می‌شنویم، اغلب از زمینه قبلی آن که در آن عیسی به آزار و اذیت پرداخته است، جدا می‌شود. خداوند تأکید کرد که اگر به خوشبختی‌های انجیل پایبند باشیم، به خاطر ارزش‌هایی که حفظ می‌کنیم، با آزار و اذیت روبرو خواهیم شد. اگر در برابر فشار تسلیم شویم و به تعهد خود خیانت کنیم، نفوذ خود را بر دیگران از دست می‌دهیم. همیشه افرادی در اطراف ما هستند که در سکوت خود از خود می‌پرسند آیا همراهی با مسیح ارزشش را دارد یا نه. شما هرگز نمی‌دانید چه کسی ممکن است در درون خود در جستجوی حقیقت باشد. شما بازتاب مسیح برای جهان هستید. اگر کسی در این دنیا به دنبال نور، صلح و امید باشد، آیا آن را در شما خواهد دید؟ آیا از طریق شما به سوی عیسی جذب خواهد شد؟ یک بار شنیدم کسی می‌گفت که در جوانی هرگز انجیل را نشنیده است، و اگر مسیحیانی در آن زمان حضور داشتند، هیچ‌کدامشان «نقاب خود را برنداشتند!» دکتر مارتین لوتر جونز یک بار گفت: «جلال انجیل در این است که وقتی کلیسا کاملاً با جهان متفاوت است، همواره آن را به سوی خود جذب می‌کند. در آن زمان است که جهان مجبور می‌شود به پیام او گوش دهد، هرچند در ابتدا ممکن است از آن متنفر باشد.»

آیا می‌توانید به کسی فکر کنید که با ایمانی منحصر به فرد، به عنوان یک پیرو مسیح برجسته بود؟ آیا در زندگی شما کسی هست که شما را به فکر مسیحیت انداخته باشد؟ یا کسی هست که الهام‌بخش شما برای زندگی متفاوت بوده باشد؟ او چگونه این کار را انجام داد؟

گاه‌به‌گاه، تورهای اسرائیل را سازماندهی و رهبری می‌کنم و هر بار که می‌روم، همیشه مردم را به یکی از هتل‌های پایین‌ترین نقطه زمین، یعنی دریای مرده و دره رود اردن، می‌برم. بسیاری از تجربه آرامش‌بخش و سالم شناور شدن در دریای مرده لذت می‌برند. گل آنجا به از بین بردن مشکلات پوستی شهرت دارد. آنها قبل از دوش گرفتن، گل را به بدن خود می‌مالند و از خدمات اسپا و ماساژی که اکثر هتل‌های منطقه ارائه می‌دهند، بهره‌مند می‌شوند. شب قبل از عزیمت به دریای مرده، من باید به مردم هشدار دهم که به دلیل میزان بالای نمک در آبی که در آن شناور خواهند شد، اصلاح نکنند. اگر آنها به توصیه‌ام توجه نکنند، شناوری‌شان در دریای مرده، علی‌رغم خواص درمانی آب، می‌تواند دردناک باشد.

نمک می‌تواند برای یک زخم باز دردناک باشد و طبیعتاً هیچ‌کس از درد لذت نمی‌برد. اگرچه این ناراحتی اغلب ناخوشایند است، اما نمک و مواد معدنی موجود در آب دریای مرده می‌توانند به بهبود پوست کمک کنند. پس از شنا در آن، فرد اغلب

احساس پاکی و سرزندگی می‌کند. همانطور که آب شور از طریق پاکسازی به بدن سود می‌رساند، ارزش‌های مسیحی ما نیز قدرت پاکسازی ضد عفونی‌کننده‌ای به جهان می‌بخشند. نوری که ما حمل می‌کنیم و نمکی که در خود داریم می‌تواند شفا را به یک جامعه در حال زوال بیاورد. با این حال، اغلب به دلیل ارزش‌هایی که مؤمنان به مسیح حفظ می‌کنند، مقاومت و آزار و اذیت وجود دارد. وقتی کسانی که مسیح ندارند می‌بینند مسیحیان بر سر باورهایشان و ارزش‌هایشان مصالحه می‌کنند، این امر نه تنها گواهی مثبت برای مسیح را تضعیف می‌کند، بلکه می‌تواند اثر عکس داشته باشد و آنها را تشویق کند تا در چارچوب نظام جهانی زندگی‌های غیرخدا ترسی داشته باشند. این یک سؤال خوب است که از خودتان بپرسید: «آیا دنیا به من آسیب بیشتری می‌زند تا اینکه من به آن سود می‌رسانم؟»

اگر غیرمؤمنان به مسیح تفاوتی در زندگی مسیحی ما نبینند، این موضوع دیدگاه جهان‌بینی آنها را به چالش نمی‌کشد و هیچ امیدی به آنها نمی‌بخشد. در نتیجه، «شوری» ارزش‌های ما را شده و نادیده گرفته می‌شود (آیه ۱۳). کلیسا، مانند یک قایق نجات، باید آب را بیرون از قایق نگه دارد. با این حال، هنگامی که آب دریا وارد قایق نجات می‌شود، فرهنگ ما با مشکلاتی مواجه می‌شود.

نور جهان: بازتاب مسیح در تاریکی

آنگاه مسیح از استعاره نور برای توصیف مؤمن استفاده کرد. هنگامی که به شاگردانش که در دامنه کوه بودند نگاه کرد، به آنها گفت که آنها نور جهان هستند (آیه ۱۴). در روزگاری که عهد جدید نوشته می‌شد، چراغ خانگی از یک ظرف سفالی حاوی روغن تشکیل شده بود که فتیله‌ای داشت که نیمی در روغن بود و بخشی از آن از سوراخ کوچکی در یک سر آن بیرون بود. متأسفانه، در آن روزگار کبریتی وجود نداشت که روشن کردن مجدد چراغ را پس از خاموش شدن دشوار می‌کرد. در نتیجه، اکثر مردم چراغ را روشن نگه می‌داشتند اما فتیله را کوتاه می‌کردند تا تمام روغن مصرف نشود.

صاحب‌خانه معمولاً چراغ را در ارتفاعی بالا در اتاق روی پایه‌ای بلند قرار می‌داد، اما ممکن بود پایه چراغ واژگون شود و روغن روی زمین، به همراه فتیله روشن، خطرناک باشد. بنابراین، آنها گاهی اوقات برای ایمنی، چراغ روشن را با سبیدی می‌پوشاندند. وقتی به نور روشن نیاز داشتند، چراغ را از زیر سبب بیرون می‌آوردند، روغن بیشتری اضافه می‌کردند و فتیله را بیشتر بیرون می‌کشیدند تا اتاق را روشن کنند (متی ۲۵: ۷-۸).

خداوند با خواندن قوم خود به «نورهای جهان»، این درس را داد که به جای پنهان کردن شهادت خود به مسیح، کمرنگ کردن نورمان یا پنهان شدن، باید در زمان‌های تاریک به روشنی بدرخشیم و تاریکی را از بین ببریم. یکی از مکان‌های مورد علاقه من در اسرائیل، ایستادن در لبه دریای طبریه در شب است. از آنجا می‌توانید چراغ‌های شهرها و قصبات مختلف را ببینید که بر فراز طبریه منعکس شده‌اند. عیسی گفت که ما باید در تاریکی همچون شهری بر فراز کوهی بدرخشیم (آیه ۱۴). شاید او ا به همان منظره خیرمکننده از دریای طبریه اشاره داشت. نوری که مؤمنان ساطع می‌کنند، از آن خودشان نیست؛ خدا از ما انتظار ندارد که راحل مشکلات بشریت باشیم. در عوض، نور ما نوری انعکاسی است — نور جهان عیسی است (یوحنا ۹: ۵). وقتی مردم به ما نگاه می‌کنند، باید مسیح را ببینند.

بیابید رسولان اولیه را به عنوان الگوی خود در نظر بگیریم. پس از آنکه خدا مرد لنگ را به واسطه پطرس و یوحنا در دروازه زیبا در اورشلیم شفا داد، رسولان به خاطر انجام این عمل نیک، از سوی رهبران مذهبی اسرائیل مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. شاگردان با اشاره به خداوند عیسی به عنوان شفا دهنده پاسخ دادند. آنها گفتند:

ای فرمانروایان و بزرگان مردم،^۹ اگر امروز ما را در مورد کار نیکی که به مردی لنگ شده است، و اینکه این مرد به چه وسیله شفا یافته است، بازجویی می‌کنند،^{۱۰} به همگی شما و به تمام قوم اسرائیل معلوم شود که به نام عیسی مسیح ناصری، کسی که شما او را مصلوب کردید و خدا او را از مردگان برخاسته داد—به واسطه او این مرد در حضور شما ایستاده و حالش خوب است (اعمال رسولان ۴: ۸-۱۰).

به جسارت حواریونی که از روح القدس نیرو گرفته بودند، بیندیشید. چیزی در مورد پاسخ آنها حاکمان و بزرگان را شگفت‌زده کرد. بزرگان در برابر کسی که به اعتبارشان بی‌اعتنایی می‌کرد، چه واکنشی نشان دادند؟ بزرگان اسرائیل، پطرس و یوحنا را بیرون فرستادند و در میان خود درباره آنها گفتگو کردند. آنها پذیرفتند که چیزی متفاوت در میان‌شان در

حال وقوع است و نشانه‌های غیرقابل انکاری را که حواریون با عیسی بوده‌اند، تشخیص دادند. این خداوند بود که به عنوان شفابخش جلال می‌یافت.

آنگاه که شجاعت پطرس و یوحنا را دیدند و دریافتند که مردانی بی‌سواد و عامی هستند، مبهور شدند و تشخیص دادند که با عیسی بوده‌اند (اعمال رسولان ۱۳: ۴).

مؤمنان به مسیح جلال خداوند را منعکس می‌کنند و پیام حیات او را بیان می‌نمایند. هنگامی که ما در نزدیکی خداوندگار عیسی زندگی کنیم، اطرافیانمان خواهند دید که مسیح از طریق ما می‌درخشد. با این حال، این نور منعکس‌شده قرار نیست فقط در میان مؤمنان باقی بماند، زیرا عیسی نگفت: «شما نور کلیسا هستید.» بلکه او گفت که ما «نور جهان هستیم» (آیه ۱۴). ما به عنوان مؤمنان، باید فانوس‌های راهنمایی باشیم که راه را به سوی لنگرگاه امن مسیح نشان می‌دهند. اعمال نیک انجام‌شده توسط مؤمنان در مسیح برای کسانی که در تاریکی نظام دنیوی که در آن زندگی می‌کنیم، قابل رؤیت خواهد بود. بازتاب‌های دقیق نور جهان در وجود ما، دیگران را به سوی مسیح جذب خواهد کرد: «بگذارید نور شما در پیش روی دیگران بتابد تا اعمال نیک شما را ببینند و جلال را به پدر شما که در آسمان است بدهند» (متی ۵: ۱۶). نمک و نور ما دیگران را تشنه حقیقت خدا خواهد کرد و آنها را به سوی نور جهان جذب خواهد نمود.

عیسی و شریعت: به انجام رساندن عهد عتیق (متی ۵: ۱۷-۲۰)

17 «فکر نکنید که من آمده‌ام تا شریعت یا انبیا را لغو کنم؛ من نیامده‌ام تا آنها را لغو کنم، بلکه برای به انجام رساندنشان آمده‌ام. 18 زیرا به راستی به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین از میان نروند، حتی یک یوتا یا یک نقطه از شریعت از میان نخواهد رفت تا همه چیز به انجام برسد. 19 پس هر کس یکی از این فرمان‌های کوچک را سبک کند و دیگران را نیز چنین بیاموزد، در ملکوت آسمان کوچک‌ترین خواهد شد، اما هر کس آنها را به جا آورد و بیاموزد، در ملکوت آسمان بزرگ خواهد شد. 20 زیرا به شما می‌گویم، تا زمانی که عدالت شما از عدالت کاتبان و فریسیان فزون‌تر نشود، هرگز به ملکوت آسمان داخل نخواهید شد» (متی ۵: ۱۷-۲۰).

نظر شما درباره سخنان مسیح در آیه ۲۰ چیست؟ «زیرا به شما می‌گویم، تا زمانی که عدالت شما از عدالت کاتبان و فریسیان فزون‌تر نباشد، هرگز به پادشاهی آسمان راه نخواهید یافت.» به نظر شما، عیسی از طریق این گفته چه می‌خواست به آنها (و ما) بگوید؟

عیسی گفت که او برای به انجام رساندن شریعت و انبیا آمده است. قوانین بی‌پایان کاتبان و فریسیان برای دور زدن شریعت خدا وضع شده بود تا بتوانند هر طور که می‌خواهند عمل کنند. قوانین دست‌ساز آنها که برای کمک به اطاعت از شریعت خدا وضع شده بود، به مرور زمان، لایه به لایه انباشته شد تا روح شریعت پنهان گردید. سنگینی تمام این قوانین برای هر کسی که می‌خواست از آنها پیروی کند، طاقت‌فرسا و پیچیده شد. عیسی درباره قوانین کاتبان و فریسیان گفت: «آنها بارهای سنگین و طاقت‌فرسا را می‌بندند و بر دوش مردم می‌گذارند، اما خودشان حاضر نیستند حتی یک انگشت برای جابه‌کردن آن تکان دهند» (متی ۲۳: ۴). عیسی این رهبران مذهبی را متهم کرد که قوانینی را تعلیم می‌دهند که مردم را از خدا دور می‌کند:

«این قوم با لب‌های خود مرا گرامی می‌دارند، اما دلشان از من دور است؛^۸ بیهوده مرا عبادت می‌کنند، زیرا فرایض خود را به صورت تعالیم می‌آموزند.» (متی ۲۳: ۸-۹).

آموزش‌های آنها مردم را به خدا نزدیک نمی‌کرد. عیسی اشاره کرد که آنها با «لبان خدا را ستایش می‌کنند»، اما دلشان از او دور است و عبادتشان پوچ و خودمحور بود. این تعلیمات باطل چگونه به وجود آمد؟ به دلیل بت‌پرستی و قربانی کردن کودکان بی‌گناه، همانند مورد پادشاه حزقیا و پادشاه مناشه که پسران خود را در آتش قربانی کردند (دوم تواریخ ۳: ۲۸؛ دوم تواریخ ۵: ۳۳-۷)، خداوند اسرائیل را به مدت هفتاد سال به سرزمین بابل تبعید کرد (ارمیا ۸: ۲۵-۱۱).

در دوران اسارت در بابل، مردم یهود شروع به این فکر کردند که چرا خداوند آنها را با تبعید از سرزمینی که به آنها داده بود، مجازات کرده است. آنها به این نتیجه رسیدند که قانون خدا را شکسته بودند و تنها راه حل، ایجاد یک حصار دور آن

بود تا اگر به طور تصادفی از آن عبور کردند، قانون را نشکنند. آنها نظامی از قوانین و تفاسیر را ایجاد کردند که به صورت حاشیه‌نویسی‌هایی درآمد و به نام‌های میشنا و تلمود شناخته شد. آنها معتقد بودند این قوانین مانع از گناهکاری مردم در برابر خدا خواهد شد.

نخبگان مذهبی خود از این قوانین پیروی نمی‌کردند. برای مثال، کتاب مقدس می‌گفت که آنها نباید در روز شنبه کار کنند، بنابراین آنها قوانین زیادی برای تعریف اینکه چه کاری به حساب می‌آید، وضع کردند. اگر کسی مجبور بود در روز شنبه استراحت کند، تا چه فاصله‌ای می‌توانست راه برود که این کار به حساب کار نیاید؟ آنها تصمیم گرفتند که یک یهودی فقط می‌تواند ۲۰۰۰ ذراع (حدود ۱۰۰۰ یارد) از خانه‌اش راه برود. اما اگر طنابی را در انتهای خیابان می‌بستند، انتهای آن جاده به عنوان خانه او محسوب می‌شد و او می‌توانست ۱۰۰۰ یارد دیگر فراتر از آن برود. با این حال، اگر در عصر شنبه نیاز داشت بیشتر برود، می‌توانست به اندازه غذای دو وعده در طول مسیر قرار دهد و آن غذا به عنوان خانه‌اش محسوب می‌شد و به او اجازه می‌داد ۱۰۰۰ یارد دیگر سفر کند.

زندگی کردن به سیستمی از قوانین سخت تبدیل شد که بر ظاهر پارسایی متمرکز بود و هسته اصلی یعنی عشق به خدا و دیگران را نادیده می‌گرفت. البته، مردم عادی نمی‌توانستند چنین قوانین سنگین و طاقت‌فرسایی را که منعکس‌کننده قلب پر از عشق خدا نبود، رعایت کنند. قانون‌گذاران تا زمان رسیدن عیسی، رحم بسیار کمی به فقرا و نیازمندان نشان می‌دادند. جای تعجب نیست که وقتی عیسی تعالیم آنها را به چالش کشید و ریاکاری‌شان را آشکار ساخت، آنها چنین واکنشی به او نشان دادند.

به نظر شما منظور خداوند از این سخن که «من نیامده‌ام تا شریعت را منسوخ، لغو یا بی‌اثر کنم، بلکه برای به انجام رساندن آن آمده‌ام» چه بود؟

درک قانونی‌گرایی در مقابل پارسایی حقیقی

رعایت قوانین مذهبی در میان بسیاری از کلیساهای غرب به یک رویه رایج تبدیل شده است. ما آن را آنقدر زیاد می‌بینیم که به سختی متوجهش می‌شویم. من به عنوان یک مسیحی جوان، پس از مراسم عصر یکشنبه در کلیسای محلی‌ام، در راه یک جلسه جوانان بودم و فکر کردم خوب است که برای آن گردهمایی مقداری آب‌نبات و چیپس با خود ببرم، بنابراین در تنها مکانی که در یک شب یکشنبه در یک شهر کوچک باز بود، یعنی همان فروشگاه‌های خارج از محل (off-license)، توقف کردم. (یک فروشگاه خارج از محل در بریتانیا مشابه یک فروشگاه مشروبات الکلی در ایالات متحده است و انواع تنقلات را نیز می‌فروشد.)

همین که با شیرینی و تنقلات از مغازه بیرون آمدم، خانم مسن‌تری از کلیسای ما به من نزدیک شد. او مرا به شدت سرزنش کرد، گفت که امروز یکشنبه است و از من پرسید چرا به عنوان یک مسیحی در روز سبت به چنین مکانی رفته‌ام. این اتفاق در اوایل مسیر مسیحی من افتاد و باعث شد احساس سردرگمی شدیدی کنم. یادم می‌آید که زیر بار احساس گناه، خود را جمع و جور کرده بودم. قوانینی که برخی افراد مذهبی تحمیل می‌کنند می‌تواند سنگین و بی‌رحم باشد. قانون‌گرایی و پایبندی به قوانین اغلب به عنوان «نجات از طریق تلاش انسانی» توصیف می‌شود. معلمان شریعت و فریسیان، قانون‌گرایان زمان مسیح بودند.

آنگاه عیسی به مردم و شاگردانش گفت: ^۲ «معلمان شریعت و فریسیان بر کرسی موسی نشسته‌اند. ^۳ پس باید در انجام هر آنچه به شما می‌گویند، دقت کنید. اما آنچه خودشان می‌کنند، انجام ندهید؛ زیرا آنچه موعظه می‌کنند، خود عمل نمی‌کنند. بنابراین هر آنچه به شما می‌گویند، آن را انجام دهید و رعایت کنید، اما طبق اعمال‌شان عمل نکنید؛ زیرا حرف می‌زنند و عمل نمی‌کنند.» ^۴ آنها بارهای سنگین را می‌بندند و بر دوش مردم می‌گذارند، اما خود حاضر نیستند حتی با یک انگشت آنها را جابجا کنند. ^۵ اما همه کارهایشان را برای دیده شدن در نظر مردم انجام می‌دهند؛ زیرا فیلاکتره‌های خود را بزرگ و قندیل‌های لباس‌هایشان را دراز می‌کنند (متی ۲۳: ۱-۵، تأکید از ماست).

پس از یک سال و نیم زندگی در اسرائیل، یکی از درک‌های سریع، اشتیاق یهودیان مذهبی برای پایبندی همه به شریعت است. یهودیان ارتدکس اورشلیم معتقدند که اگر بتوانند تمام یهودیان سرزمین را وادار به رعایت یک روز شبات مقدس به

عنوان یک ملت کنند، مسیحا خواهد آمد. هیچ آیه‌ای از کتاب مقدس این باور را تأیید نمی‌کند؛ این صرفاً آرزویی برای صالح بودن از طریق حفظ حفاظ دور شریعت است. در برخی از مناطق اورشلیم، اگر در روز شنبه با ماشین رانندگی کنید، ممکن است به ماشین‌تان سنگ پرتاب شود. این موضوع می‌تواند برای گردشگرانی که در روز شنبه در هتل اقامت دارند، بسیار ناامیدکننده و گیج‌کننده باشد، زیرا اگر سوار آسانسور اشتباهی شوید، ممکن است در هر طبقه‌ای بین اتاق شما و لابی یا رستوران توقف کند، چرا که فشردن دکمه در روز شنبه کار محسوب می‌شود.

برای مثال، عیسی به دلیل شفا دادن در روز شنبه به نقض قانون متهم شد، اما این قوانین مستقیماً از جانب خدا نبودند؛ آنها قوانین اضافی بودند که به شریعت افزوده شده بودند. عیسی شریعت خدا را نقض نکرد، زیرا او برای به انجام رساندن آن آمد: **«فکر نکنید که من برای ابطال شریعت یا انبیا آمده‌ام؛ من برای ابطال آنها نیامده‌ام، بلکه برای به انجام رساندن آنها آمده‌ام» (متی ۵: ۱۷).**

قانون چرا داده شد؟ این سؤال برای درک ما ضروری است زیرا خدا قانون را برای آشکار ساختن معیار اخلاقی عادلانه خود داد. ریچارد سیبیس، پیوریتن، در قرن هفدهم درباره نقش وجدان نوشت و گفت که وجدان، روحی است که به خود می‌نگرد. وجدان در آنچه انسان را متفاوت می‌سازد، نقش محوری دارد. برخلاف حیوانات، انسان‌ها می‌توانند در مورد اعمال خود بیندیشند و قضاوت‌های اخلاقی کنند. این کارکرد اصلی وجدان است. مشکل وجدان ما این است که می‌توان آن را آموزش داد، نادیده گرفت و کنار گذاشت. شریعت وجدان را روشن می‌سازد و یک مرز عینی فراهم می‌کند. تعدی کردن یعنی عبور از خط و وارد شدن به گناه.

قانون توضیح می‌دهد که گناه چیست. پیش از آنکه انجیل به جنگل‌های آمریکای جنوبی و مرکزی برسد، مایاها و اینکاها نوزادان و کودکان بی‌گناه خود را قربانی می‌کردند زیرا راهنمایی وجدان خود را نادیده می‌گرفتند. پولس نوشت که، بدون قانون، ما نمی‌دانستیم گناه چیست (رومان ۷: ۷). هنگامی که خدا شریعت خود را به انسان داد، انسان در برابر خدای مقدس هیچ بهانه‌ای نداشت و در قبال اعمال خود پاسخگو بود (رومان ۳: ۱۹). هیچ‌یک از ما نمی‌توانیم به طور کامل شریعت را رعایت کنیم. همه ما از کمال اخلاقی (گناه) باز می‌مانیم و خود را به عنوان انسان‌های فاسدی می‌شناسیم که به نجات‌دهنده‌ای از گناه نیاز دارند. شکر خدا که ما نجات‌دهنده‌ای داریم تا ما را از گناه و مجازات گناهانمان رهایی بخشد؛ وگرنه، هیچ امیدی نداشتیم.

برای کسانی که در دامنه‌های شمالی دریای Galilee گرد آمده بودند، برخی این سؤال را داشتند که آیا این واعظ جدید، خداوندگار عیسی، مخالف شریعت خدا بود. خداوند به شریعت پایبند بود و تمام نظام قربانی که در شریعت مقرر شده بود را به طور کامل به انجام رساند، زیرا او کاهن اعظم روحانی است. او با خون خود وارد قدس‌القداس شد و بدین ترتیب روز کفاره (عبرانیان ۹: ۱۱-۱۵) و بسیاری از قوانین سایه‌وار دیگر عهد عتیق را به انجام رساند. او همچنین همان کسی است که پیامبران گفته بودند خدا برای برقراری عهدی نو خواهد فرستاد، همان کسی که پیامبر موسی از او سخن گفت: **«خداوند، خدای شما، از میان شما، از میان برادران شما، پیامبری مانند من برای شما برخواهد انگیزخت؛ به او گوش فرا خواهید داشت» (تثنیه ۱۸: ۱۵).** عیسی آمد تا شریعت و انبیا را به کمال رساند.

عیسی نه برتر از شریعت بود و نه با آن در تضاد. او کتاب مقدس را به کمال رساند! سخنان و اعمال او برای تحقق آنچه خداوند از طریق انبیا گفته بود، انجام شد.

نمکی که طعم خود را از دست داده باشد، برای طعم‌دار کردن یا نگهداری مفید نیست. بی‌ارزش می‌شود. نمک واقعی نمی‌تواند شوری خود را از دست بدهد، زیرا سدیم کلراید یک ترکیب بسیار پایدار است. نمک مورد استفاده در زمان عیسی احتمالاً از دریای مرده تأمین می‌شد و حاوی ناخالصی بود. با گذشت زمان، می‌توانست شوری خود را از دست بدهد و بی‌فایده شود. برای یک مؤمن، این امر مشابه از دست دادن هدف اصلی اوست. اگر احساس می‌کنید «نمک خود را از دست داده‌اید»، تنها راحل بازگشت به عیسی و ماندن در اوست. از طریق کلام خدا، دعا و گشودن زندگی‌مان به روی او، می‌توانیم انتخاب کنیم که به شادی‌های هشت‌گانه عمل کنیم، حتی اگر ناقص باشد. دعای من این است که، هم به صورت جمعی و هم فردی، ما افرادی باشیم که تنها با بودن در کنارمان، دیگران را تشنه خدا کنیم.

کاربرد عملی: نمک و نور بودن در این هفته

نمک یک ماده نگهدارنده است. از خودتان بپرسید: «اگر من از محیط کار، محل زندگی یا گروه کوچکم دور شوم، آیا "فساد اخلاقی" افزایش خواهد یافت؟» یک مکالمه را در این هفته شناسایی کنید که معمولاً وقتی دیگران غیبت می‌کنند یا بدبین هستند، در آن ساکت می‌مانید. از «نمک» خود استفاده کنید تا به آرامی طعم آن گفتگو را به سمت چیزی مفید یا حقیقت‌پراکن تغییر دهید.

عیسی به قرار دادن چراغی زیر کوزه‌ای اشاره می‌کند. اغلب، «کوزه»ی ما ترس از مردم یا خجالت است. به یک نفر فکر کنید که نمی‌داند شما مسیحی هستید. این هفته، برایشان «موعظه» نکنید، بلکه به سادگی «پنهان شدن» را متوقف کنید. به روشی طبیعی به آنها بگویید که خدا چگونه به دعایی پاسخ داده یا چیزی را که در کلیسا یاد گرفته‌اید، به کار بسته‌اید. ببینید آیا آنها برای شنیدن بیشتر «تشنه» هستند یا خیر.

عیسی هشدار داد که فریسیان از نظر «ظاهر» پارسایی بالایی داشتند اما دل‌های سردی داشتند. یک عادت مذهبی را که صرفاً از روی اجبار (مانند یک «قانون») انجام می‌دهید، شناسایی کنید. این هفته، سعی کنید همان عمل را از روی محبت به کسی انجام دهید. اگر به کلیسا می‌روید، فقط «حضور» نداشته باشید—با هدف مشخص تشویق کردن یک فرد تنها بروید.

نمک در زخم باز می‌سوزد. گاهی اوقات، وقتی مردم با عصبانیت به ایمان شما واکنش نشان می‌دهند، به این دلیل نیست که شما نامهربان هستید—بلکه به این دلیل است که «نمک» سبک زندگی شما به «زخم» وجدان آنها می‌خورد. اگر به خاطر ارزش‌هایتان با مخالفت مواجه شدید، عقب‌نشینی نکنید. در عوض، برای آن شخص دعا کنید. «سوزش» آنها ممکن است سرآغاز بهبودی‌شان باشد.

در اینجا دعایی است که می‌توانید با قلبی صادق بخوانید:

ای پدر آسمانی، من ایمان دارم که عیسی مسیح، پسر یگانه‌ات، برای نجات جهان به زمین آمد و با مرگش بر صلیب، بهای گناه هر کسی را که به او ایمان می‌آورد، پرداخت. سپاسگزارم برای هدیه نجات و اینکه با سپردن اعتمادم به مسیح، از گناهانم آمرزیده می‌شوم. از تو سپاسگزارم، ای پدر، که پسرت را فرستادی تا به جای من بر صلیب کالواری بمیرد. ای خداوند، از تمام گناهان مغرورانه‌ام و هر آنچه نام تو را بی‌احترام می‌کند، روی برمی‌گردانم. دعا می‌کنم که روح‌القدس تو به من کمک کند تا در فیض و شناخت عیسی رشد کنم تا روزی که وارد پادشاهی تو شوم. به نام عیسی دعا می‌کنم، آمین.

کیت توماس

www.groupbiblestudy.com

فیسبوک: keith.thomas.549

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>